

الزامات تغییر ساختار در صنعت تامین علوفه و نهاده های دام و طیور کشور



دکتر حسین شیرزاد دکترای توسعه کشاورزی

در وضعیت سخت خشکسالی های متواتر؛ تورم قیمتی علوفه و نهاده های دامی، تفاوت قیمتی فاحش بین تولید و عرضه محصولات دامی بدلیل سرکوب قیمتی، و عارضه از دست دادن دام های مولد؛ و مصایب دامداری عشایر کشور؛ وزارت جهاد کشاورزی باید قادر باشد تا اولاً، از ذخایر ژنتیکی دامی کشور صیانت نموده؛ ثانیاً، صنعت تولید دام پایدار بماند. ثالثاً، از آشفتگی بازار بکمرک تنظیم گری موثر و گفتگو با تشکل های صنفی و اتحادیه ها جلوگیری کرده و رابعاً؛ مصرف کننده بتواند با قیمت عادلانه و بهای منصفانه از مواهب تولید مطلوب بر خوردار گردد.

در سوابق تاریخی برای نخستین بار به تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۴۴ در گردهم آیی کانون دامپروران ایران و جمعیت دامپروران تهران و دیدار دامپروران با وزیر کشاورزی وقت سپهد ریاحی، بنیاد « بانک علوفه » پذیرفته شد و طی نامه ای درخواست شد تا اولاً، از ورود

فرآورده‌های شیر خارجی جلوگیری شود و ثانیاً، مشارکت کانون و جمعیت مذکور در تامین علوفه کشور به رسمیت شناخته شود.

پس از ۴ سال کشمکش؛ متعاقب آن روزنامه های روز ۶ بهمن ۱۳۴۹ در خبری کوتاه نوشتند که شاه فرمان تاسیس بانکی دولتی به نام «بانک علوفه» را با سرمایه اولیه ۵۰۰ میلیون ریال با دستور به وزارت منابع طبیعی صادر کرده است و لایحه این بانک تهیه شده، و پس از تغییراتی برای تصویب، تقدیم مجلس خواهد شد بلافاصله در اسفند سال ۱۳۴۹ صندوق عمران مراتع در راستای موضوع مواد (۴) و (۵) قانون «صندوق عمرانی مراتع» (مصوب ۱۳۴۹، ۱۲، ۲۴) برای کمک به عمران و اصلاح مراتع و تهیه و تدارک و توزیع علوفه برای تأمین خوراک دام و فراهم آوردن موجبات تلفیق زراعت و دامپروری و تسهیل اسکان تدریجی عشایر و تأمین تسهیلات لازم برای اجرای طرح‌های مرتعداری وابسته به وزارت منابع طبیعی در سال ۱۳۴۹ تشکیل شد که فعالیتهای آن تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت.

پس از انقلاب نیز فعالیتهای مفید شرکت سهامی تهیه، تولید و توزیع علوفه در ۸ شهریور ۱۳۷۱ بر اساس قانون «اصلاح قانون صندوق عمران مراتع» - مصوب ۱۳۶۷ با هدف تهیه، تدارک، تولید (کنسانتره)، توزیع علوفه برای تأمین خوراک دام، طیور و آبزیان و کمک به عمران و اصلاح مراتع در جهت افزایش تولید مواد پروتئینی حیوانی، همچنین انجام اقدام لازم به منظور تنظیم بازار علوفه گام مهمی بود تا مراتع کشور احیا و نوسازی شوند، و تولیدکنندگان علوفه داخلی، در جریان تجارت کلان علوفه کشور قرار گیرند تا بازار علوفه کشور به تعادل برسد.

اما با انحلال آن و تشکیل شرکت پشتیبانی امور دام کشور این وظایف در کنار وظیفه تنظیم گری بازار به این شرکت واگذار شد که بررسی موفقیتها و شکستهای این شرکت مجالی دیگری را میطلبد. با تصویب قانون نظام جامع دامپروری کشور در سال ۸۸ رویکردهای تازه ای برای این بازار گشوده شد که متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت.

اما طی ۸ سال گذشته هم بواسطه تشکیل ستاد علوفه، پیشنهاد ایجاد بانک علوفه و سیلاژ ذرت و صدها پیشنهاد دیگر ارایه شد اما به دلیل تعارض منافع با شرکت پشتیبانی امور دام کشور، فقدان قدرت اجرایی این ستاد و برخی تنگ نظری ها به نتیجه نرسید. حتی پروژه خصوصی سازی شرکت سهامی پشتیبانی امور دام نیز در تیرماه سال ۹۸ پس از ۱۰ سال کشمکش (از ۷ شهریور ۱۳۸۸) شکست خورد.

اما امروز وضعیت اکوسیستم های مرتعی و تامین علوفه و نهاده های دامی کشور کاملاً متفاوت و دگرگون است. خشکسالی ممتد؛ تولید علوفه کشور را تا ۴ و نیم میلیون تن تقلیل داده؛ و علاوه بر کاهش کمیت از کیفیت نیز کاسته و سبب فقر ذخیره غذایی به دلیل عدم رشد مطلوب و کاهش خوشخوراکی و ارزش غذایی، خشبی بودن و خشک شدن گشته حتی با افزایش رقابت برای جذب آب؛ با تغییرات ذخیره هیدرات کربن گونه های مهم علوفه با سیستم جذب آب ضعیف تر به سرعت از سطح مرتع حذف می شوند و چنانچه اگر در این دوره چرای دام متعادل با ظرفیت تولید نباشد در اثر فشار ناشی از چرای مفرط و زودرس گیاهان خوشخوراک و کلاس یک به سرعت از سطح مراتع حذف و یکساله های مهاجم و کلاس سه سطح مراتع را در کنار فرسایش شدید اشغال می نمایند و فرصت زادآوری را به گیاهان مرغوب نخواهد داد.

در حال حاضر، حدود ۶۶ درصد از مراتع کشور فقیر شده و بنابراین از منظر فنولوژیک بتدریج ترکیب گیاهی مرتع تغییر کرده و گیاهان نامرغوب و غیر خوشخوراک جایگزین گیاهان خوشخوراک می شوند.

از سویی تامین علوفه از بازار بین المللی بدلیل یکپارچگی شدید هولدینگ های بزرگ تجارت غله و علوفه، تغییرات اقلیمی و تحریم های ظالمانه در جهان به سادگی سالیان قبل نیست.

لذا، ضروری است تا برای اراضی موجود در کشور و سایت های تولید علوفه به منظور کاشت ارقام پربازده علوفه و استفاده از تحقیقات و فناوری دانش بنیان جدید تولید علوفه و امکان استفاده از لجستیک معکوس برای بهره برداری از پسماندهای کشاورزی در حیره دام ها برنامه ریزی شود و حتی وزارتخانه باید هرچه سریعتر با توجه به موضوع پیامدهای تغییر اقلیم، واردات یونجه و سایر علوفه را بطور منظم در جداول زمانی خاص در نظر داشته باشد.

از سوی دیگر ممانعت از قاچاق علوفه به کشورهای عراق و افغانستان که درگیر خشکسالی و آشفته گی در نظام تولید اند، زمینه ساز قاچاق علوفه از کشور خواهد شد. بر اساس پیشینه نگاشته ها و اسناد، تعداد ۴۶۵ شرکت طی سه سال اخیر در حوزه واردات نهاده های دام و طیور مشغول به فعالیت بودند و البته واردات بیش از ۵۴ درصد از این نهاده ها توسط چهار شرکت قدرتمند در کشور صورت می پذیرد.

از این تعداد ۱۱۹ شرکت در بنادر جنوب کشور فعالیت می کنند که قاعدتاً کشتی های ۵۰ هزارتنی و تجار بزرگ و متوسط هستند. مابقی

شرکت‌های کوچک در بنادر شمالی حضور دارند و جو و ذرت به‌میزان حداکثر چهار هزار تن از روسیه با کشتی‌های کوچک وارد می‌کنند که گروه واردکنندگان خرده‌پا را تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر بطور متوسط حدود ۳۹ درصد از واردات نهاده‌ها نیز طی چهار سال گذشته برعهده شرکت پشتیبانی امور دام کشور بوده است. ذکر این نکته هم بسیار مهم است که تقریباً در کمتر کشوری در دنیا ما با این تعداد زیاد از شرکتها در تهیه و تامین واردات کالاهای استراتژیک در کنار یک شرکت دولتی روبرو می‌باشیم.

بنابراین بی‌نظمی و ساختار آنارشیک کاملاً معلوم است. همچنین، مبادی وارداتی ذرت از شش کشور رومانی، آرژانتین، برزیل، اوکراین، روسیه و کامرون خریداری و مبادی تامین جو نیز از روسیه، رومانی، برزیل و قزاقستان وارد و کنجاله سویا هم از هند و برزیل تهیه می‌شود؛ یونجه هم از روسیه و برخی کشورهای اروپایی تامین می‌گردد.

رقابت مخرب بین وارد کنندگان خرد و متوسط و بزرگ بازار را به هم ریخته و از همگرایی راهبردی در مسئله واردات علوفه جلوگیری می‌نماید. طرفه اینکه هماهنگی، نمونه‌گیری‌ها و پیگیری از طریق نهاد های تنظیم گر کیفی مانند سازمان غذا و دارو، سازمان دامپزشکی، استاندارد و سازمان قرنطینه و نهادهای نظارتی و پشتیبان بانک مرکزی، گمرک و جهاد کشاورزی در کنار تعدد سامانه‌ها بسیار زمان بر، هزینه‌بر و دارای تالی فاسد بوده لذا ضروری است تا این فعالان بازاری در یک هولدینگ بزرگ با سیاستهای همگراتر و منابع مالی تجهیز شده تر در راستای منافع ملی متمرکز گردند.

تجارب بین‌المللی در چین و روسیه و برخی کشورهای آمریکای لاتین نیز موید این ضرورت است. اما راه حل پیشنهادی آن است تا در راستای رها سازی تصدی‌های غیر ضرور دولتی، بتوان با بوجود آوردن یک شخصیت حقوقی پرقدرت مانند شرکت تخصصی بانک علوفه ایران (سهامی عام) تهیه، تولید و تجارت علوفه و نهاده‌های دامی را به آن سپرد.

شرکت را به بورس برد تا از طریق پذیره نویسی عام تامین مالی نمود و حمایت‌های دولتی را از مجرای تاسیس چنین تشکل بورسی-بین‌المللی با سهامداری کلیه این شرکتها هدایت نمود.

در تشکیل این شرکت تخصصی تلاش بر آن باشد تا کلیه اتحادیه‌ها، تشکل‌ها، فعالین، ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان تامین، تولید و بازار و

تجارت علوفه بصورت سهامداران این شخصیت حقوقی تازه تاسیس از میزان سهام مقبولى برخوردار شوند.

همچنین سعی گردد تا با اهمیت قایل شدن به نقش تشکلهای در این شرکت با استفاده از تکنیکهای حاکمیت شرکتی، اتوریته بیشتری (از طریق سهام ممتاز، سهام مدیریتی، انواع اختیارات سهامداری خاص) به سهامداران این تشکلهای داده شود و حقوق صاحبان سهام تشکلهای تولیدی نیز در پروسههای متوالی آتی افزایش سرمایه شرکت با کاهش جدی روبرو نگردد.

شرکت میتواند در مرحله اول با سرمایه ثابتی ۱۰۰۰ میلیارد تومان شروع به فعالیت نموده و در طی ۶ مرحله افزایش سرمایه طی یک برنامه جریان نقدینگی ۴ ساله به سرمایه مکفی برسد.

در این میان با در نظر گرفتن نقش ۹۸ درصدی سهامداری بخش کاملاً خصوصی، برای نقش نظارتی دولت نیز به میزان ۲ درصد سهام به سازمان مرکزی تعاون روستایی به نمایندگی از دولت بصورت سهام مدیریتی - نظارتی تعلق خواهد گرفت تا از این طریق شرکت تازه تاسیس بتواند از مزایا و امکانات مورد نیاز دولتی هم برخوردار شود.

به موازات آن سریعاً باید سهام شرکت پشتیبانی امور دام کشور را با هدف رهاسازی مالکیت و مدیریت، ارتقاء کارایی فعالیتهای، و تخصیص بهینه منابع، آماده پذیرش در بورس و تعیین قیمت مبنا و گزینش اهلیت ها نماییم.

از طریق بورس اوراق بهادار به شیوههای بلوکی و تدریجی (ترجیحاً واگذاری به شیوه بلوکی و با کسب صندلی هیئت مدیره) و یا از طریق فروش صندوقهای قابل معامله (ETF) ها و بازارگردانی تخصصی، عرضه سهام آغاز و کلیه وظایف آن به بخش خصوصی دارای اهلیت فعال به کمک اتاق تعاون، اتاق بازرگانی صنعت و معدن و کشاورزی ایران و تهران؛ در یک فرایند ششماهه واگذار گردد.

بنظر می رسد بر اساس قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ چند روش واگذاری توسط شارع مشخص شده که امروزه فقط یکی از روشها از طریق فروش بورسی است حتی میتوانیم برخی از واگذاریها را بشیوه پیمانهای مدیریتی، اجاره به شرط تملیک، پیمانکاری عمومی برنامه ریزی نماییم و سایر روشهای واگذاری را در بخش کشاورزی؛ هدفمند آزمون و دنبال کنیم.